

بسم الله الرحمن الرحيم

اصول و شاخصه‌های ماندگاری

انقلاب اسلام‌پران

امام خامنه ای (۱۳۹۴/۱۰/۱۹):

این انقلاب در مقایسه‌ی با حوادث دیگر؛ اگر مقایسه بکنیم با حوادث دیگری که در همین کشور اتفاق افتاده است - حوادث دنیا هم همین‌جور - [یک حادثه‌ی بی‌نظیر است]... این نهضت، این انقلاب هم موفق شد، هم باقی ماند، ماندگار شد... ببینید این ماندگاری‌ها تحلیل دارد که چرا ماند؟ ... اینها تحلیل لازم دارد. تحلیل را شما جوانها بروید بکنید، برای من روشن است؛ جوانها بروند تحلیل کنند، بنشینند، فکر کنند و ببینند که اینجا چه چیزی نقش‌آفرینی کرد؟ ... باقی ماندن، ماندگاری، طاقت آوردن برای یک حادثه‌ی اجتماعی، خیلی عنصر مهمی است... اینها بحثهای طولانی لازم دارد و جوانها باید یک قدری بروند مطالعه کنند.

پژوهش: مؤسسه فرهنگی هنری راه فخر الأئمه (علیهم السلام)

به سفارش مدیریت نوجوانان و جوانان عاشورایی هیئت رزمندگان اسلام

بهمن ماه ۱۳۹۴

بخش اول:

اصول و شاخصه‌های ماندگاری انقلاب اسلامی ایران

- فصل اول؛ مقدمه ۴
۱. مکتب امام خمینی(ره)؛ خاستگاه و زیربنای انقلاب اسلامی ۴
۲. مکتب امام خمینی(ره)؛ رمز بقای انقلاب اسلامی ۴
۳. تحریف اصول و شخصیت امام (ره)؛ سرآغاز بازگشت به قهقری ۵
۴. استخراج و بازخوانی اصول امام (ره)؛ نوش داروی انحراف انقلاب ۵
- فصل دوم؛ ضرورت توجه و صیانت از اصول و مبانی انقلاب ۵
- فصل سوم؛ اصول و عوامل ماندگاری انقلاب اسلامی ۶
۱. اسلام‌گرایی ۷
۲. دشمن ستیزی و سلطه ناپذیری (آشتی ناپذیری) ۹
۳. اهل مبارزه بودن ۹
۴. حمایت و دفاع از مظلومان عالم ۱۰
۵. تکلیف‌گرایی ۱۱
۶. قانون‌گرایی ۱۱
۷. مردم‌گرایی ۱۲
۸. حمایت از محرومان و مستضعفان (عدالت اجتماعی) ۱۴
۹. حفظ استقلال ملت و کشور ۱۵
۱۰. حفظ وحدت ملی و انسجام اسلامی ۱۵
۱۱. صبر و استقامت در راه اهداف ۱۶
۱۲. تبیین علمی و فکری انقلاب ۱۷
۱۳. پاسداری از خون شهدا ۱۷
۱۴. تکیه صریح و شفاف بر مبانی انقلاب ۱۸
۱۵. انقلابی‌گری ۱۸

بخش دوم:

انقلابی‌گری

- فصل اول: مفهوم انقلابی‌گری ۲۰
- فصل دوم: ضرورت‌ها و اهمیت‌های انقلابی‌گری ۲۰
۱. ضامن عزت و استقلال کشور ۲۱
۲. عامل پیشرفت و پیروزی کشور ۲۱

۳. راهگشای مشکلات پیشرو.....	۲۱
۴. عامل ناامیدی دشمنان.....	۲۲
۵. فراگیر بودن عرصه‌های بکارگیری تفکر و روحیه انقلابیگری.....	۲۳
فصل سوم: شاخصه‌های تفکر انقلابی.....	۲۶
۱. پرهیز از افراط و تفریط.....	۲۶
۲. بصیرت و آگاهی به شرائط زمان.....	۲۷
۳. دقت در امور.....	۲۷
۴. تلاش بر حفظ شور انقلابی.....	۲۷
۵. پرهیز از عصبانیت (صبر در برابر مشکلات، ناملائمات و بد رفتاری‌ها).....	۲۷
۶. جرأت و جسارت در عمل.....	۲۸
۷. توکل بر خدا.....	۲۸
۸. خودباوری و اعتماد به نفس.....	۲۸
۹. انضباط.....	۲۸
۱۰. برخورد مناسب با مسئولان.....	۲۹
۱۱. شهادت طلبی.....	۳۰
۱۲. پرهیز از عافیت‌طلبی.....	۳۰

فصل اول: مقدمه

۱. مکتب امام خمینی (ره): خاستگاه و زیربنای انقلاب اسلامی

*** امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد؛ امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب راه، این راه راه، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد... دو کار بزرگ و بی‌سابقه‌ی در تاریخ کشور ما به‌وسیله‌ی امام تحقق پیدا کرد؛ یکی برانداختن بنای سلطنت موروثی ظالمانه و غیر عاقلانه... کار بزرگ دومی که امام بزرگوار انجام داد، ایجاد یک حکومت و نظامی بر اساس اسلام بود که این هم در تاریخ کشور ما بلکه بعد از صدر اسلام در تاریخ کل اسلام بی‌سابقه بود... ما ملت ایران، ملتی بودیم زیردست و غرقه در بی‌هدفی و ناامیدی... امام ما را تبدیل کرد به یک ملت پر انگیزه، به یک ملت پر امید، به یک ملت پر تحرک، به یک ملت دارای هدفهای بزرگ.^۱

۲. مکتب امام خمینی (ره): رمز بقای انقلاب اسلامی

*** ملت ایران این مکتب راه، این راه راه، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد. ادامه‌ی این راه بستگی دارد به اینکه این نقشه‌ی راه، درست شناخته بشود؛ بدون اینکه امام را درست بشناسیم - به‌معنای شناخت اصول امام - این نقشه‌ی راه، شناخته نخواهد شد. بدیهی است بحث ما بر مبنای فکری امام است... بحث بر سر آن شاکله‌ی اصلی تفکر امام بزرگوار ما است؛ این را می‌خواهیم درست بشناسیم.^۲

*** امروز ملت ایران پر تحرک است، پر انگیزه است، امیدوار است و به سمت هدفهای بزرگ روانه است... اگر ملت ایران بخواهد به آن هدفها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است.^۳

۱. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

۲. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

۳. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

۳. تحریف اصول و شخصیت امام (ره)؛ سرآغاز بازگشت به قهقری

*** اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد. همه باید بدانند که هاضمه‌ی سیری‌ناپذیر استکبار جهانی چشم از کشورشان برنداشته است... اگر شخصیت امام تحریف شد، بد معرفی شد، غلط معرفی شد، همه‌ی این خطرات بزرگ متوجه ملت ایران خواهد شد؛ اینجا است که خطر تحریف امام به‌عنوان یک هشدار باید در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب‌نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام، کسانی که علاقه‌ی به این راه دارند و عموم جوانان، فرزندان، دانشگاهیان، حوزویان تلقی بشود.^۱

۴. استخراج و بازخوانی اصول امام (ره)؛ نوش داروی انحراف انقلاب

*** سیره‌ی امام بزرگوار فقط بیان شخصیت یک انسان نیست؛ بلکه راهنمای عمل همه‌ی ملت ایران و مسلمانان جهان است... ملت ایران بیش از دیگران مخاطب این سخنان است؛ زیرا بار امانتی که بر دوش ماست - یعنی حفظ دستاورد عظیم این انقلاب - یک ویژگی برای ملت ایران است. با حفاظت از این ذخیره‌ی عظیم، باید شکر این نعمت را بگذاریم.^۲

*** تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است... آن راهی که میتواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است. امام یک اصولی دارد، یک مبانی‌ای دارد... این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛ شخصیت امام این است... آن چیزهایی که قابل انکار نیست، جزو بینات امام است... صاحب‌نظران و افرادی که میتوانند و توانایی این کار را دارند، بروند دنبال کنند، بیانات امام را نگاه کنند... و این اصول را استخراج کنند.^۳

فصل دوم؛ ضرورت توجه و صیانت از اصول و مبانی انقلاب

*** امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه‌ی عناصر و اجزایی را که می‌توانست این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت. این عناصر اصلی عبارت است از اسلام، مردم، قانون‌گرایی و دشمن‌ستیزی... این‌ها نقطه‌ی قوت اساسی است. هم مردم و هم مسئولان باید قدر این‌ها را بدانند. این‌ها موجب پایداری نظام است... موجب آن است که هیچ‌وقت دشمن نتواند به این نظام ضربه بزند. هر جا ما [از این‌ها] غفلت کردیم، ضربه خوردیم. اگر ضربه‌ی اقتصادی خوردیم، اگر عقب‌ماندگی اقتصادی پیدا کردیم، اگر در زمینه‌های سیاسی دچار ضعفی شدیم، بر اثر غفلت از این عناصر بوده است. آنجایی که پیشرفت کردیم، آنجایی که عزت به دست آوردیم، آنجایی که توانستیم موانع را از سر راه

۱. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

۲. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰/۰۳/۱۴.

۳. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

برداریم، آنجایی که دشمن را ناکام کردیم، به خاطر تکیه بر این عناصر بوده است. نگذارند و نگذارید این عناصر از دست مردم برود و مورد تهاجم قرار گیرد. نگذارید دشمن به میل خود، راه را برای تسلط مجدد بر این کشور هموار کند. هشیاری مسئولان کشور و آحاد مردم لازم است.^۱

*** پاسداری یعنی نگه داشتن، حفظ کردن... انقلاب در ذات خود یک حرکت پیشرونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب. به کجا؟ به سمت هدفهای ترسیم شده... حفظ انقلاب یعنی حفظ همین حالت پیشروندگی و پیش‌برندگی. پاسداری از انقلاب، به این معناست.^۲

*** توانائی و ظرفیت ملت ایران در حفظ انقلاب و پاسداری انقلاب عظمت و اهمیتی دارد که شاید بشود گفت از اهمیت خود اصل انقلاب کمتر نیست.^۳

*** ایران باید بداند که حفظ انقلاب و برپانگاهداشتن پرچم عزت و شرف و ادامه‌ی راه پُرافتخاری که مجاهدات این ملت شریف در برابر ملتهای جهان، مخصوصاً مسلمانان گشود و به عنوان تنها راه غلبه بر فشار و ظلم قلدران شناخته شد، و تنها باطل السحر توطئه‌های دشمنان بر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، همانا حراست از اصول بنیانی انقلاب و پاسداری از ارزشهای انقلاب است. این، آن نقطه‌ی روشنی است که شعار ضدیت با سلطه‌ی جهانی استکبار را عالم‌گیر ساخته و ارکان نظام سلطه‌ی جهانی را متزلزل کرده است و همین است که از این پس ملت ایران را بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان فایق خواهد ساخت. و این همان وصیت جاودانی است که امام راحل عظیم‌القدر (أعلى الله كلمته) در بیانیه‌ها و اخیراً در وصیت‌نامه‌ی خود، همه‌ی ما را بدان توصیه فرموده است.^۴

فصل سوم: اصول و عوامل ماندگاری انقلاب اسلامی

«مثلاً کلمه طَیْبَه کَشَجَرَه طَیْبَه»؛ این یک درخت پاکیزه و سالم و خوش‌نهادی است که در زمین سالم رشد می‌کند. «اصلها ثابت و فرعها فی السَّماء»؛ ریشه‌اش محکم است، شاخ و برگش هم رفته بالا. «تَوَتَّى اَکْلَهَا کُلَّ حَیْن بَازَنْ رَیْبًا»؛^۵ میوه‌ی او هم همیشگی است و در هر فصلی میوه‌ی خود را می‌دهد. یعنی یک‌بار مصرف نیست، مثل خیلی از این حرکاتی که در دنیا انجام می‌گیرد؛ به اسم انقلاب یا کودتا یا غیر ذلک حکومتها را تغییر می‌دهند، اما یک‌بار مصرفند؛ بعد در یک دوره‌ی کوتاهی، قضیه به شکل قبل از آن حرکت و نهضت یا گاهی بدتر برمی‌گردد. کلمه‌ی حق این جور نیست؛ کلمه‌ی حق ماندگار است.^۶

۱. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۸۰.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰.

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۰۳/۰۵/۱۳۹۱.

۴. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۰/۰۳/۱۳۶۹.

۵. (۳). ابراهیم: ۲۴ و ۲۵

۶. بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان به مناسبت سالروز قیام مردم تبریز، ۲۸/۱۱/۱۳۸۸.

۱. اسلام‌گرایی

*** نکته‌ی اوّل - که اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده‌ی نظام است - عبارت است از اسلام‌گرایی و تکیه بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی... راز پیروزی انقلاب در این نکته بود... وقتی مردم پرچم اسلام را در دست امام مشاهده کردند و باور کردند که امام برای احیای عظمت اسلامی و ایجاد نظام اسلامی وارد میدان مبارزه شده است، گرد او را گرفتند.^۱

*** اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی این‌ها می‌سازد. این اسلام را امام نام‌گذاری کرد: اسلام آمریکائی.^۲

*** پایداری این مردم بعد از پیروزی انقلاب، و تشکیل و بقا و ریشه‌دار شدن جمهوری اسلامی تا وضع کنونی، و پیشرفت‌ها در جهات مختلف، و سرنوشت جنگ تحمیلی، و سرنوشت جنگ‌های فراوانی که ما تاکنون در دنیای سیاسی و اقتصادی داشته‌ایم... همه‌ی آن‌ها مرهون ایمان اسلامی ما و اعتقادات اسلامی این مردم است؛ ما باید آن را حفظ کنیم. در اظهاراتمان، در عملکردمان، در جهت‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست‌های مختلفمان، این باید برای ما معیار باشد. هیچ ملاحظه‌ی نباید جلوی ملاحظه‌ی دینی را بگیرد و بر آن فایق بیاید.^۳

*** دو خصوصیت... که بیشترین تأثیر را در پیروزی و ماندگاری انقلاب در کشور اسلامی داشت... یکی از این دو خصوصیت، عبارت بود از اینکه مبنای این انقلاب، ارزش‌های دینی و اخلاقی و معنوی بود... انقلاب‌های دیگر، غالباً بر مبنای تفکرات مادی انجام گرفته است... دین، خصوصیت انقلاب بود و ماند... این یک خصوصیت، در هیچ‌یک از انقلاب‌ها نبود و همین، یکی از مهم‌ترین عوامل بود تا هرجای دنیا قلبی برای دین و اسلام می‌تپد، به جمهوری اسلامی - که برای اسلام حرکت می‌کند و به اعلای کلمه‌ی اسلام فکر می‌کند - علاقه‌مند باشد.^۴

۱-۱. اعتماد به خدا

*** راز ماندگاری این انقلاب، اتکای به ایمان‌هاست؛ اتکای به خداست.^۵

۱. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی(ره) (۱۳۸۰/۰۳/۱۴)

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی(ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) (۱۳۸۹/۰۳/۱۴)

۳. بیانات در دیدار با اعضای ستاد پیگیری قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۱۳۷۰/۰۹/۳۰)

۴. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۱۳۶۸/۱۱/۲۰)

۵. بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸/۱۱/۱۹)

*** یکی از اصول امام ائکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزاء مکتب امام است... کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند...^۱

*** به دل خوش کُنک‌های دشمنان، مستکبران، قدرتهای جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل امام، در رفتار امام، در بیانات امام به‌طور کامل مشهود است. این ائکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب میشد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد... این توکل خود را امام مثل خونی در شریان ملت جاری کرد؛ ملت هم اهل توکل به خدای متعال شد، به نصرت الهی معتقد شد، و در این راه وارد شد.^۲

*** آن عاملی که موجب می‌شود انسان در میدانها خسته نشود، یاد خداست... اگر توکل و اعتماد به خدا و ارتباط با خدا بود، حرکت مردمی و بسیجی، حرکتی پایدار و ماندگار خواهد بود. و اگر نبود، یک هیجان و اشتعال در برهه‌ای از زمان پیدا می‌شود، ولی باقی نمی‌ماند و از بین می‌رود... آن چیزی که تا امروز، این حرکت را در ایران اسلامی این‌طور مستقیم به سمت هدف هدایت کرده است، همین ایمان شما، ارتباطتان با خدا و روحیه‌ی دعا و تضرعی است که در نیروهای بسیجی ما وجود دارد.^۳

۱-۲. اخلاص در نیت و عمل

*** در انقلاب بزرگ ما هم، جوهر خلوص مایه‌ی ماندگاری آن شده است؛ همان فلز نابی که امام بزرگوار، مظهرش بود.^۴

۱-۳. سیاست را از دیانت جدا ندانستن

*** مکتب سیاسی امام دارای شاخصه‌هایی است... یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را باهم داشت و همین را دنبال می‌کرد؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه‌ی رفتارها و همه‌ی مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می‌زد.^۵

*** کسی که سیاست را با عرفان جمع می‌کند و معنویت را با حرکت سیاسی، یکجا در برنامه زندگی خود قرار می‌دهد، برای او ترس از مرگ معنا ندارد؛ ترس از شکست هم معنا ندارد. این درست نقطه‌ی مقابل سیاست کهنه شده

۱. «وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ» (توبه، آیه ۶۸)، «وَوَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (مجادله، آیه ۱۴)، «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا» (فتح، آیه ۶).

۲. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴.

۳. بیانات در دیدار فرماندهان «بسیج» سراسر کشور (۲۷/۰۸/۱۳۷۱).

۴. بیانات به مناسبت «روز پاسدار»، در جمع هزاران تن از اعضای سپاه پاسداران و «یگان ویژه‌ی نیروی انتظامی» (۲۶/۱۰/۱۳۷۲).

۵. بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) (۱۴/۰۳/۱۳۸۳).

و از مصادفاده‌ی غربی است که به دروغ آن را سیاست مدرن می‌گویند؛ یعنی تفکیک دین از سیاست، و تفکیک دولت از معنویت. تمدن غربی بر پایه‌ی ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد؛ این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند.^۱

*** اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است. امام، اسلام ناب را در مقابل اسلام آمریکایی قرار داد. اسلام آمریکایی چیست؟ اسلام آمریکایی... دو شاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار،^۲ یکی اسلام متحجر^۳... اسلام آخوندهای درباری... اسلام داعشی؛ از آن طرف، اسلام بی‌تفاوت در مقابل جنایات صهیونیستی، در مقابل جنایات آمریکا، اسلام چشم‌دوخته‌ی به آمریکا و قدرتهای بزرگ و به اشاره‌ی آمریکا، اینها همه سر در یک آخور دارند.^۴

۲. دشمن ستیزی و سلطه ناپذیری (آشتی ناپذیری)

*** عنصر اساسی که امام آن را در پایه‌های نظام جمهوری اسلامی کار گذاشت - و بحمد الله مایه‌ی ماندگاری نظام شد - مسأله‌ی دشمن ستیزی و سلطه ستیزی است.^۵

*** عامل مهم تسلیم ناپذیری و ایستادگی ملت ایران در راه پُر افتخار خود، فلسفه‌ی سیاسی و مکتب سیاسی امام است... امام بزرگوار با مکتب سیاسی خود بود که توانست طلسم دیرپای استبداد را در این کشور بشکند.^۶

*** در بُعد خارجی امام صریحاً در جبهه‌ی مخالفِ قلدران بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمیکرد... امام با مستکبرین سر آشتی نداشت. واژه‌ی «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد، باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت؛ عنوان شیطان بزرگ را، هم به کار میبرد، هم از بن دندان اعتقاد به این معنا داشت... تا آخر، امام علیه آمریکا و دستگاه سیاسی و امنیتی آمریکا موضع داشت.^۷

۳. اهل مبارزه بودن

*** نظام اسلامی با مبارزه به وجود آمد، بدون مبارزه این نظام تحقق پذیر نبود؛ همه‌ی آرزوهای بزرگ در دنیا همین جور است. حفظ نظام و پایداری نظام هم با مبارزه به وجود آمد؛ اگر مبارزه‌ی مردم نبود، اگر مبارزه‌ی امام نبود، اگر

۱. بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) (۱۳۸۳/۰۳/۱۴)

۲. یعنی دین را، جامعه را، رفتار اجتماعی انسانها را، جدای از اسلام دانستن.

۳. یعنی نگاه متعصبانه‌ی داشتن بر مبانی غلط، یعنی نگاه عقب افتاده‌ی غیر قابل فهم به دین داشتن از سوی انسانهای نواندیش.

۴. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۵. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) (۱۳۸۰/۰۳/۱۴)

۶. بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) (۱۳۸۳/۰۳/۱۴)

۷. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

مبارزه‌ی مسئولان در میدانهای مختلف نبود، این نظام باقی نمی ماند و از بین میرفت... حرکت ملت ایران، حرکت صمیمی بود، صادقانه بود؛ «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صَبْرًا صَدَقَ أَنْزَلَ اللَّهُ بِعَدُوِّنَا الْكَفَّةَ، وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النُّصْرَةَ»؛ ... پس نظام با مبارزه به وجود آمد، با مبارزه هم باقی ماند. من عرض میکنم کار من و شما ادامه‌ی آن مبارزه است، و بدون مبارزه نمیتوانید به آن هدفها دست پیدا کنید؛ علت هم معلوم است؛ علت این نیست که نظام جمهوری اسلامی یک نظام جنگ طلب است؛ نه، به هیچ وجه قضیه این نیست... چاره‌ای نداریم جز اینکه از خودمان دفاع کنیم؛ مبارزه این است. اینهایی که برای تثویز کردن سازش و تسلیم و اطاعت در مقابل زورگویان، نظام را متهم میکنند به جنگ طلبی یا به تثویز کردن جنگ، دارند خیانت میکنند، دروغ میگویند. نه، نظام نظام انسانی است، نظام شرف است، نظام احترام به کرامت بشر است، نظام سلامت است؛ وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ. در همه‌ی این صحنه‌ها، چه عرصه‌ی اداره‌ی کشور، چه عرصه‌ی فعالیتهای گوناگون اقتصادی، علمی، فرهنگی و غیره، چه عرصه‌ی سیاست گذاری، چه عرصه‌ی تقنین، چه عرصه‌ی مذاکرات خارجی و غیره، باید بدانیم ما در حال مبارزه‌ایم؛ در ادامه‌ی مبارزاتی و راهی که به پیدایش نظام و بقای نظام منتهی شد، داریم حرکت میکنیم؛ این را باید بدانیم. این بایستی مثل یک تفکر گسترده‌ای بر تمام فعالیتهای ما حاکم باشد، هر کاری میکنیم، این بایستی در ضمن آن ملحوظ باشد. قوای شیاطین عالم برآنند که هر جایی، هر پایگاهی از پایگاههای بشری و تمدن بشری وجود دارد که در خدمت آنها نیست منهدم کنند.^۲

۴. حمایت و دفاع از مظلومان عالم

*** امام بزرگوار در طول این سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد، دفاع کرد. از فلسطین دفاع کرد، از افغانستان دفاع کرد... از ملت لبنان حمایت کرد... این منطق امام است در مورد مقابله‌ی با استکبار... امروز ما به همان اندازه‌ی که با رفتار وحشیانه و ظالمانه‌ی جریان داعش در عراق و در سوریه مخالفیم، به همان اندازه با رفتار ظالمانه‌ی پلیس فدرال آمریکا در داخل کشورشان مخالفیم - اینها هر دو مثل هم هستند - به همان اندازه با محاصره‌ی غزه که محاصره‌ی ظالمانه‌ای است علیه مردم مظلوم غزه مخالفیم، به همان اندازه با بمباران مردم مظلوم و بی‌پناه یمن مخالفیم، به همان اندازه با سخت گیری‌هایی که علیه مردم بحرین به وجود می‌آید مخالفیم، به همان اندازه با حمله‌ی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به مردم در افغانستان و در پاکستان مخالفیم. این منطق، منطق امام است. هر جا ظلم هست دو طرف وجود دارد: ظالم و مظلوم؛ ما طرفدار مظلومیم، مخالف با ظالمیم؛ این موضع گیری‌ای است که امام بصراحت انجام میداد و این یکی از خطوط اصلی است. امروز هم به همین دلیل مسئله‌ی فلسطین برای ما یک مسئله‌ی اصلی است؛ این را همه بدانند. مسئله‌ی فلسطین از دستور کار نظام جمهوری اسلامی خارج نخواهد شد. مسئله‌ی فلسطین، عرصه‌ی یک مجاهدت واجب و لازم اسلامی است، هیچ حادثه‌ای ما را از مسئله‌ی فلسطین جدا

۱. وقعه صفین: ص ۵۲۱.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۳/۰۳/۰۴

نمیکند. ممکن است کسانی در صحنه‌ی فلسطین باشند که به وظایفشان عمل نکنند، حساب آنها جدا است اما مردم فلسطین، ملت فلسطین، مجاهدان فلسطینی مورد تأیید و حمایت ما هستند.^۱

۵. تکلیف‌گرایی

*** این که از قول امام معروف است و همه می‌دانیم که گفته بودند «ما برای تکلیف عمل می‌کنیم، نه برای پیروزی»، به معنای بی‌رغبتی ایشان به پیروزی نبود. بدون تردید پیروزی در همه‌ی هدفهای بزرگ، آرزوی امام بود. پیروزی جزو نعمتهای خداست و امام به پیروزی علاقه مند بود - نه این که علاقه مند نبود یا بی‌رغبت بود - اما آنچه او را به سوی آن هدفها پیش می‌برد، تکلیف و عمل به وظیفه‌ی الهی بود؛ برای خدا حرکت کردن بود. چون انگیزه‌ی او این بود، لذا نمی‌ترسید؛ شک نمی‌کرد؛ مأیوس نمی‌شد؛ مغرور نمی‌شد؛ متزلزل و خسته هم نمی‌شد. اینها خاصیت عمل به تکلیف و عمل برای خداست. کسی که برای تکلیف عمل می‌کند، دچار تردید و تزلزل نمی‌شود؛ ترسیده و خسته نمی‌شود؛ از راه بر نمی‌گردد و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی، تعیین‌کننده‌ی راه و جهتگیری او نمی‌شود.^۲

*** امام به وعده‌ی الهی اطمینان داشت. ما برای خدا مجاهدت می‌کنیم، قدم برای خدا برمی‌داریم، همه‌ی تلاش خودمان را به میدان می‌آوریم؛ نتیجه را خدای متعال - آن‌چنان که وعده فرموده است - تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار می‌کنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. راه انقلاب، صراط مستقیم انقلاب این است.^۳

۶. قانون‌گرایی

*** عنصر [ی] که برای امام اهمیت داشت، نظم و قانون بود. لذا حتی قبل از آنکه انقلاب به پیروزی برسد، امام دولت معین کرد. انقلاب‌های دنیا یا کودتاهایی که به اسم انقلاب در دنیا به وجود می‌آمدند... هیچ‌کدام این‌طور نبودند... در انقلاب اسلامی، امام اجازه نداد این‌طور بشود؛ حتی از قبل از پیروزی انقلاب دولت تعیین کرد تا نظم وجود داشته باشد. باینکه آن وقت شورای انقلاب هم بود، اما امام خواست با شکل قانونی و منطقی، کشور اداره شود. اصل تشخیص اینکه چه نظامی در کشور بر سر کار بیاید، این را امام به عهده‌ی رفراندوم و آراء عمومی گذاشت. این هم در دنیا سابقه نداشت... چند ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام گفت باید قانون اساسی نوشته شود. آن کار هم نه به وسیله جمعی که خود امام معین کند، بلکه باز به وسیله‌ی منتخبان مردم صورت گرفت.^۴

۶-۱. صیانت از قانون اساسی

۱. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله ۱۴/۰۳/۱۳۹۴.

۲. بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۸۳.

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۱۴/۰۳/۱۳۸۹).

۴. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) (۱۴/۰۳/۱۳۸۰).

*** قانون اساسی ما بسیار خوب و پیشرفته است. قانون اساسی از جمله‌ی همان چیزهایی است که دشمنان ما آن را آماج حملات خود قرار داده‌اند؛ چون این قانون اساسی با این خصوصیات و با این تقسیم قدرت می‌تواند کشور را به سامان برساند و جامعه را پیش ببرد. این قانون اساسی می‌تواند ضامن حفظ نظام اسلامی باشد؛ نظامی که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان‌هاست. این قانون اساسی می‌تواند ذهن‌ها را اشباع و اقناع کند و جسم‌ها را به رفاه مادی برساند؛ می‌تواند دنیا و آخرت مردم را آباد کند. بر اساس این قانون اساسی، امروز کشور در حال حرکت و پیشرفت است. نه اینکه نقص و ضعف وجود ندارد- بلاشک ضعف‌ها وجود دارد- منتها شما اگر وضعیت کشور و موقعیت استثنائی نظام جمهوری اسلامی را در نظر بگیرید، خواهید دید که از اول انقلاب پیشرفت ما در همه‌ی زمینه‌ها، پیشرفت خوب، در بعضی جاها عالی، و در برخی از بخش‌ها قابل قبول بوده است.^۱

۷. مردم‌گرایی

*** اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ این از جمله‌ی خطوط اصلی حرکت امام است.^۲ امام به آن حدّ اکثر توجه را کرد... وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه می‌کرد، لفاظی نمی‌کرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود و مردم را در چند عرصه مورد توجه دقیق و حقیقی خود قرار داد...^۳ نیروی سپاه را به‌وجود آورد، بعد هم نهاد بسیج را به‌وجود آورد؛ حرکت نظامی را یک جریان مردمی قرار داد. در مسائل اقتصادی، تکیه‌ی به مردم؛ در مسائل نظامی، تکیه‌ی به مردم؛ در مسائل سازندگی کشور، تکیه‌ی به مردم، که جهاد سازندگی را به راه انداخت؛ در مسائل تبلیغات، تکیه‌ی به مردم؛ و بالاتر از همه مسئله‌ی انتخابات کشور و آراء مردم در مدیریت کشور و تشکیلات نظام سیاسی کشور.^۴ امام در مورد مردم به اینها هم اکتفا نکرد، مردم را ولی‌نعمت مسئولان معرفی کرد؛ مکرّر امام ذکر کردند که این مردم ولی‌نعمت ما هستند؛ مواردی خود را خادم ملت معرفی کرد؛ میگفت: اگر به من خادم ملت بگویند بهتر از این است که رهبر بگویند؛ این خیلی حرف بزرگی است، نشان‌دهنده‌ی جایگاه برجسته‌ی مردم و افکار مردم و آراء مردم و حضور مردم در نظر امام است.^۵

*** الان شما فروپاشی این امپراتوری شوروی را ببینید. آن چیزی که عامل درجه‌ی یک و عامل مباشر در این فروپاشی است، انقطاع از مردم است؛ با مردم کاری ندارند. هیچ رابطه‌ای بین این رهبری و مردم وجود ندارد؛ یعنی رهبری، هیچ نمی‌تواند روی مردم حساب کند؛ و الا اگر می‌توانستند روی مردم حساب کنند، آیا تبلیغات آمریکاییها و سیاست‌بازی آن‌ها در این یک سال و نیم اخیر می‌توانست این قدر در وضع شوروی تعیین‌کننده باشد؟ ... علتش این

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان (۱۳۸۴/۰۲/۱۱)

۲. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی(ره)، (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۳. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی(ره) (۱۳۸۰/۰۳/۱۴)

۴. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی(ره)، (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)

۵. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی(ره) (۱۳۸۰/۰۳/۱۴)

است که مردم را در کنار خود ندارند. هر نظامی که با مردم خودش مرتبط و متصل نباشد، نمی‌تواند برای بلندمدت و برای آینده، برنامه‌ریزی مطمئنی داشته باشد.^۱

۷-۱. عرصه‌هایی که مردم در آنها باید مورد توجه قرار بگیرند

۷-۱-۱. تکیه بر آراء و انتخاب مردم

*** عرصه‌ی اوّل، عرصه‌ی تکیه‌ی نظام به آراء مردم است. تکیه‌ی نظام به آراء مردم، یکی از میدانهای است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آن‌ها باید در اینجا خود را نشان دهد. در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنماییهای امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتّکاء به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتّکاء به اراده‌ی مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود به شدّت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیّت‌نامه‌ی خود آن را منعکس و به مردم و مسئولان توصیه کرد. در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه‌ی انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخابیهایی که می‌کنند، هم حقّ مردم است، هم تکلیفی بر دوش آن‌هاست. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد.^۲

*** دو خصوصیت... که بیشترین تأثیر را در پیروزی و ماندگاری انقلاب در کشور اسلامی داشت... خصوصیت دیگر این بود که انقلاب بر پایه‌ی اراده و خواست مردم در تشکیل و اداره‌ی حکومت باقی ماند. یعنی پس از پیروزی انقلاب، اهمیت نقش مردم از آن‌ها سلب نشد و به عنوان یک عنصر برای انقلاب باقی ماند... انقلاب‌های دیگر پس از پیروزی خود، اغلب نسبت به مردم بی‌اعتنا شدند... به مجرد اینکه انقلاب به پیروزی نزدیک شد یا به پیروزی رسید، مردم دیگر هیچ‌کاره شدند و حزب همه‌کاره شد.^۳

۷-۱-۲. مسؤولیت‌پذیری در برابر مردم

*** عرصه‌ی دوم، عرصه‌ی تکلیف مسئولان در قبال مردم است. وقتی ما می‌گوییم «مردم»، معنایش این نیست که مردم بیایند رأی بدهند و مسئول یا نماینده‌ای را انتخاب کنند؛ بعد دیگر برای آن مردم هیچ مسؤولیتی وجود نداشته باشد... در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه‌ی مسؤولیت پیدا کردن مسئولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسئولان برای مردمند و خدمتگزار و مدیون و امانت‌دار آن‌ها هستند. مردم، محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسؤولیتی به دست می‌آورد، باید همه‌ی هم و غمّش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم

۱. بیانات در دیدار با اعضای ستاد پیگیری قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۱۳۷۰/۰۹/۳۰)

۲. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) (۱۳۸۰/۰۳/۱۴)

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۱۳۶۸/۱۱/۲۰)

برای مادیت مردم، هم برای معنویت مردم، هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم. این‌ها جزو وظایف اصلی حکومت است.^۱

۷-۱-۳. استفاده بهینه از توانایی‌های مردمی

*** عرصه‌ی سوم- که باز بر محور مردم حرکت می‌کند- عبارت است از بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور؛ یعنی استعدادها را شکوفا کردن و معطل نگذاشتن. از اوایل انقلاب، همیشه امام خطاب به جوانان، دانشجویان، متفکران کشور و کسانی که داری استعداد بودند، می‌گفت که به خودتان ایمان بیاورید؛ نیروی خودتان را باور کنید و بدانید که می‌توانید. این درست در مقابل تعالیمی بود که در دوران طولانی استبداد در این کشور، تلقین می‌شد که مردم ایران نمی‌توانند.^۲

۷-۱-۴. شفاف سازی اطلاعات در برابر مردم

*** عرصه‌ی چهارم در خصوص توجه امام به مردم، عبارت است از لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم... در دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی، نقش تحریف و گمراه‌سازی، نقش فوق‌العاده خطرناکی است که امام به آن توجه داشت. وسایل ارتباطی فکری نامطمئن و وابسته‌ی به دشمنان کشور و ملت، امام را وادار می‌کرد که هم خود او به طور دائم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دائماً توصیه کند که حقایق را به مردم بگویند و افکار آن‌ها را نسبت به حقایق که دشمن سعی می‌کند آن‌ها را مکتوم نگه دارد، آشنا کنند. اینکه ما دائماً به صاحبان بیان و قلم و تربیون‌های مختلف توصیه می‌کنیم که هدف و همت خود را بر تبیین حقایق قرار دهند، برای این است. امروز همه افراد... مسئولند. اگر دیدند حقایق و محکومات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار می‌گیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجه می‌کرد. و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است.^۳

۸. حمایت از محرومان و مستضعفان (عدالت اجتماعی)

*** در بُعد مسائل داخلی کشور، امام طرف‌دار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد می‌کرد؛ اشرافیگری را با تلخی رد می‌کرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرف‌دار عدالت اجتماعی بود... این یکی از خطوط روشن امام است؛ این یکی از اصول قطعی امام است، همه باید تلاش کنند که فقر را ریشه‌کن کنند؛ همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند و تا آنجایی که در توان کشور است، به محرومان کمک کنند. از آن طرف به مسئولان کشور هشدار میداد درباره‌ی خوی کاخ‌نشینی و همه را از خوی

۱. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی(ره) (۱۳۸۰/۰۳/۱۴)

۲. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی(ره) (۱۳۸۰/۰۳/۱۴)

۳. بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی(ره) (۱۳۸۰/۰۳/۱۴)

کاخ‌نشینی بر حذر میداشت، تأکید مکرر میکرد بر اینکه به وفاداری طبقات ضعیف اعتماد کنید؛ این را امام مکرر میگفت که این کوخ‌نشینانند، این فقرايند، این محرومانند که این صحنه‌ها را با وجود محرومیت‌ها پر کرده‌اند، اعتراض هم نمیکند، در میدانهای خطر هم حاضر میشوند؛ [اما] آن کسانی که برخورداری‌های بیشتری داشتند، در موارد مختلف اگر مشکلی پیش می‌آمد، اتفاقاً آنها بیشتر ابراز نارضایتی میکردند. این وفاداری طبقات متوسط مردم و طبقات محروم مردم، از نظر امام یک امر برجسته بود و این را تأکید میکرد. بر مصرف درست بیت‌المال تأکید میکرد، بر پرهیز کردن از اسراف تأکید میکرد. این هم یکی از خطوط اساسی است. مسئله‌ی عدالت اجتماعی، طرف‌داری از محرومان و دوری از خوی اشرافیگری و خوی تجمل‌گرایی و عمل در این جهت.^۱

۹. حفظ استقلال ملت و کشور

*** یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مسئله‌ی استقلال کشور، ردّ سلطه‌پذیری [است]؛ این هم یکی از سرفصل‌های مهم است. استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت؛ این معنای استقلال است. اینکه بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اما آزادی یک ملت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریم‌های مخالفان و بیگانگان، محترم نباشد! این اصلاً قابل فهم نیست، قابل قبول نیست. متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی میکنند برای نفی استقلال کشور، استقلال را گاهی به انزوا معنا میکنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلم‌زنی میکنند و حرف می‌زنند؛ این حرف‌ها هم در بین جامعه پخش میشود. کسانی این‌جوری حرکت میکنند. این یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است. امام معتقد به استقلال کشور بود، معتقد به ردّ سلطه‌ی [بر] کشور بود. دشمن ما در طول این سالها، بسیاری از فعالیت‌هایی که علیه کشور ما و ملت ما کرده است برای این بود که خدشه‌ی در استقلال به وجود بیاورد؛ چه تحریم، چه تهدید، اینها استقلال را هدف گرفته‌اند. باید همه هوشیار باشند، بدانند که هدف‌های دشمن چیست. این هم یکی از خطوط اصلی است.^۲

۱۰. حفظ وحدت ملی و انسجام اسلامی

*** یکی دیگر از خطوط اصلی تفکر امام و راه امام و خط امام مسئله‌ی وحدت ملی است و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن؛ چه تفرقه‌ی بر اساس مذهب، شیعه و سنی؛ چه تفرقه‌ی بر اساس قومیت‌ها، فارس و عرب و ترک و کرد و لر و بلوچ و امثال اینها. تفرقه‌افکنی یکی از سیاست‌های قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما از اول بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت، یک تکیه‌ی کم‌نظیر داشت که این یکی از خطوط است. امروز ما این خط را هم باید دنبال بکنیم. امروز شما می‌بینید در دنیا مسئله‌ی تفرقه‌ی دنیای اسلام یکی از سیاست‌های اصلی استکبار است. آمریکایی‌ها کارشان به آنجا رسیده است که حالا دیگر اسم شیعه و سنی می‌آورند؛ اسلام شیعه، اسلام سنی؛ از یکی حمایت میکنند، به یکی

۱. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

۲. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

حمله میکنند. در حالی که جمهوری اسلامی ایران از اوّل نسبت به این مسئله‌ی اختلاف مذهبی یک نگاه کاملاً یکسانی داشت. ما با برادران فلسطینی‌مان که سَنّی‌اند همان جور عمل کردیم که با برادران حزب‌الله لبنان که شیعه هستند عمل کردیم. همه جا یک جور عمل کردیم. نگاه امام بزرگوار ما در داخل کشور این بود، در دنیای اسلام نگاه جمهوری اسلامی نگاه اَمّت‌ساز است، اَمّت اسلامی مورد نظر است. اینکه نوکرهای دست دَوّم آمریکا می‌آیند مسئله‌ی هلال شیعی را مطرح میکنند، این نشان‌دهنده‌ی سیاستهای تفرقه‌افکن است. اینکه آمریکایی‌ها علی‌رغم تبلیغات فراوان، نسبت به همین گروه‌های تفرقه‌افکن تکفیری در عراق و سوریه مماشات میکنند... این نشان‌دهنده‌ی این است که نقش تفرقه‌افکنی از نظر دشمنان اسلام و مسلمین و دشمنان جمهوری اسلامی نقش بسیار برجسته‌ای است. این را همه توجّه کنند؛ هم شیعه توجّه کند، هم سَنّی توجّه کند؛ بازی دشمن را نخورند. آن تسَنّی که آمریکا از آن حمایت کند و آن تشیعی که از مرکز لندن به دنیا صادر بشود، اینها مثل هم هستند؛ هر دوی آنها برادران شیطانند، هر دوی آنها عوامل آمریکا و غرب و استکبارند.^۱

۱۱. صبر و استقامت در راه اهداف

*** پیشرفتهای ما در همه جا، ناشی از ایستادگی و استقامت بر پایه‌ی ارزشها بوده است؛ هر جا که استقامت کردیم و بر مبانی خودمان پافشاری کردیم و از آن کوتاه نیامدیم و در مقابل تهدیدها خودمان را نباختیم، آنجا پیشرفت کرده‌ایم. این ایستادگی و پایداری، مهم‌ترین چیزی است که ما می‌توانیم آن را وسیله قرار دهیم برای رسیدن به اهدافمان.^۲

*** هر تحول عظیم اجتماعی است که هدفهائی دارد و به سمت آن هدفها حرکت و دعوت می‌کند. این جهت‌گیری باید حفظ شود. اگر جهت‌گیری به سمت هدفها در یک انقلاب، در یک حرکت اجتماعی صیانت نشود و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد شد؛ در جهت عکس اهداف خود عمل خواهد کرد. لذا شما در قرآن ملاحظه می‌کنید که در سوره‌ی مبارکه‌ی هود، خدای متعال به پیغمبرش می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».^۳ پیغمبر را امر می‌فرماید به استقامت. استقامت، یعنی پایداری؛ راه را مستقیم ادامه دادن؛ در جهت درست حرکت کردن... تغییر جهت‌گیری‌ها تدریجی است، نامحسوس است؛ این جور نیست که از اول کار، این تغییر جهت‌گیری با ۱۸۰ درجه اتفاق بیفتد؛ اول با زاویه‌های خیلی کوچک‌تر، این تغییر شروع می‌شود؛ هرچه ادامه پیدا می‌کند، فاصله‌ی راه اصلی - که صراط مستقیم است - با این انحراف، روز به روز بیشتر می‌شود. این یک جهت است.^۴

۱. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله ۱۴/۰۳/۱۳۹۴.

۲. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۳۸۳/۰۶/۳۱)

۳. (۲) هود: ۱۱۲؛ «پس همان‌گونه که دستور یافته‌ای، ایستادگی کن. و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]. و طغیان مکنید؛ که او به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.»

۴. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۱۴/۰۳/۱۳۸۹)

۱۲. تبیین علمی و فکری انقلاب

*** انقلاب مانند هر حرکت اجتماعی عظیم ماندگار، احتیاج به سوخت دارد؛ این ماشین بدون سوخت متوقف می‌شود؛ سوخت فکری. روز به روز با توجه به تحولات جهانی، با توجه به حوادث جدید، سؤال‌ها و ابهام‌های تازه‌ای در ادامه‌ی این راه مطرح است. از طرفی، قبل از آنکه نوبت به عمل برسد، نوبت فکر و پردازش تفکر راهنماست و این، خاص آشنایان به مبانی اسلام است؛ و بدیهی است که دشمنان، همین نقطه را هم مثل بقیه‌ی نقاط حساس هدف می‌گیرند. بنابراین، فضایی برجسته‌ی حوزه، نباید گوش‌شان بدهکار تلاش دشمن باشد و باید بدانند که فکر جدید، مفاهیم جدید و راه‌های نو، مدد فکری برای پیشرفت این حرکت است. امروز ما نسبت به اوایل انقلاب در باره‌ی مبانی نظام اسلامی، به برکت تلاش دین‌شناسان و عالمان - چه در دانشگاه، چه در حوزه - روشن‌بینی‌های بیشتر و مفاهیم تازه‌تری را در اختیار داریم، که این پشتیبانی فکری باید ادامه پیدا کند. امروز چشم دنیا به شماست؛ حالیا! چشم جهانی نگران من و توست.^۱

*** انقلاب ماند؛ ببینید این ماندگاری‌ها تحلیل دارد که چرا ماند؟ چرا با اینکه در نهضت ملی هم مردم حضور داشتند - البته نه مثل انقلاب، تا حدود زیادی مردم بودند - با آن درخواست حداقّلی، قادر نشد بماند اما انقلاب اسلامی با آن درخواست حداکثری استقلال ماند؟ چرا نهضت مشروطیت با آن درخواست حداقّلی محدود شدن قدرت مطلقه نتوانست و طاقت نیاورد بماند اما انقلاب اسلامی با این درخواست حداکثری و مطالبه‌ی حداکثری که ریشه‌کنی سلطنت و رژیم پادشاهی در کشور بود آمد، موفق شد و ماند؟ اینها تحلیل لازم دارد. تحلیل را شما جوانها بروید بکنید، برای من روشن است؛ جوانها بروند تحلیل کنند، بنشینند، فکر کنند و ببینند که اینجا چه چیزی نقش‌آفرینی کرد؟ کدام عنصر تأثیر گذاشت که آن نهضتها نتواند باقی بماند و نتواند به نتایج نهایی خودش برسد اما این انقلاب توانست قدرتمندانه بایستد؟ علت چه بود؟ اینها را بنشینند جوانهای ما تحلیل کنند... که این ماندگاری مسئله‌ی مهمی است؛ این ماندگاری را بایستی به‌عنوان یک هدف در نظر داشت و در این فکر بود که چگونه تأمین خواهد شد. نگاه کنید ببینید عناصر ماندگاری انقلاب چیست، آن عناصر را باید تک‌تک ما تأمین کنیم، همه‌ی ما باید تأمین کنیم. البته این را عرض کردم که تحلیل آن به‌عهده‌ی شما جوانها است.^۲

۱۳. پاسداری از خون شهدا

*** بقای این انقلاب به خاطر خون شهیدان است... شهادت است که پای ماندگاری و پایداری و بقاء ارزشها را امضاء می‌کند. بزرگترین اجری که در این دنیا به شهید داده می‌شود، بقاء و استحکام آن حقیقتی است که شهید جان خود را برای آن حقیقت فدا کرده است. خدای متعال آن حقیقت را به برکت خون شهید حفظ می‌کند. سازوکار منطقی و

۱. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

۲. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

عقلایی این هم معلوم است.^۱ خون این عزیزان را گرامی بدارید. هم خود خانواده‌های شهدا، عزت و آبروی شهدا را حفظ کنند؛ هم بقیه‌ی مردم، ارزش خانواده‌های شهدا را بشناسند و آن‌ها را تکریم کنند؛ و هم مسئولان کشور باید خودشان را مدیون شهدای عزیز و خانواده‌های آن‌ها بدانند.^۲

*** اگر امروز بانگ مسلمانی از چهار گوشه‌ی عالم به گوش می‌رسد، و اگر ملت‌های مسلمان به هویت اسلامی خود بازگشته و سنگینی بار سلطه‌ی مستکبران را احساس می‌کنند، و اگر جهاد اسلامی پس از سال‌ها فراموشی، دوباره به جایگاه ارزشی رفیع خود بازگشته، همه و همه به برکت استقرار جمهوری اسلامی و استمرار انقلاب اسلامی است که خود، مرهون شهادت و گذشت این عزیزان و خانواده‌هایشان و نیز جانبازان عزیز و ارجمند است. ملت ما باید قدر این عزیزان را بداند و نتایج مجاهدات آنان را پاسداری کند و همه‌ی موفقیت‌ها و پیروزی‌ها را با ارزش جان گران‌بها و صبر بزرگ آنان محاسبه کند و قدر آن را بشناسد.^۳

۱۴. تکیه صریح و شفاف بر مبانی انقلاب

*** در اتخاذ مواضع انقلابی، باید صراحت داشت؛ یعنی رودربایستی نکنیم. مواضع انقلابی را، مبانی امام بزرگوار را صریح بیان کنیم، خجالت نکشیم، رودربایستی نکنیم، ترس نداشته باشیم.^۴

*** آن چیزی که می‌تواند استقلال را تأمین بکند برای انقلاب اسلامی ما، تکیه‌ی صریح و شفاف بر مبانی انقلاب است؛ اصول انقلاب، مبانی انقلاب، ارزش‌های انقلاب، به شکل صریح و شفاف مورد تکیه باید قرار بگیرد. همچنان‌که امام بزرگوار این‌جور بود؛ امام از اوّل شروع نهضت، همه‌ی حرف خود را صریح، بدون ابهام بیان کرد... راز ماندگاری نظام جمهوری اسلامی بر ریل انقلاب و بر خطوط اصلی امام بزرگوار، همین صراحت بوده است؛ هیچ نایستی این شفافیت را، این صراحت را از دست داد. در مقابل مخالفان، در مقابل دوستان، در مقابل دشمنان، مواضع جمهوری اسلامی باید مواضع شفاف باشد. تاکتیک‌ها را می‌توانند عوض کنند، شیوه‌های کار را می‌توانند عوض کنند، [اما] اصول، همچنان مستحکم باید بماند؛ این راز استحکام انقلاب و راز پیشرفت کشور است.^۵

۱۵. انقلابی‌گری

*** یکی از مهم‌ترین راه‌های تقویت درونی، حفظ روحیه‌ی انقلابی‌گری است در مردم؛ بخصوص در جوان‌ها. سعی دشمنان این است که جوان ما را لابلای بار بی‌اورند، نسبت به انقلاب بی‌تفاوت بار بی‌اورند، روحیه‌ی حماسه و انقلابی‌گری را در او بکشند و از بین ببرند؛ جلوی این باید ایستاد. جوان، روحیه‌ی انقلابی‌گری را باید حفظ کند. و

۱. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۲.

۲. سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای ایلام (۱۳۶۹/۱۰/۱۳)

۳. پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا در هفته‌ی دفاع مقدس (۱۳۶۹/۰۷/۰۵)

۴. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

۵. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش در سالروز بیعت تاریخی همافران با حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) (۱۳۹۲/۱۱/۱۹)

مسئولین کشور جوانهای انقلابی را گرامی بدارند؛ این همه جوانهای حزب اللهی و انقلابی را برخی از گویندگان و نویسندگان نکوبند به اسم افراطی و امثال اینها. جوان انقلابی را باید گرامی داشت، باید به روحیه انقلابیگری تشویق کرد؛ این روحیه است که کشور را حفظ میکند، از کشور دفاع میکند؛ این روحیه است که در هنگام خطر به داد کشور میرسد.^۱

*** مسئله‌ی شاخصهای انقلابیگری هم خیلی مهم است؛ یعنی واقعاً بدانیم شاخصها چیست، شاخصهای انقلابیگری را درست پیدا کنیم، در ذهن خودمان مشخص بکنیم، از کسانی که مطلع‌تر از ما هستند بپرسیم. اگر این کارها انجام بگیرد، این ماندگاری انقلاب، بدون تردید، خواهد بود. دو خصوصیت وجود دارد در عمل به این وظایف: یک خصوصیت همین است که انقلاب ماندگار خواهد شد. بدیهی است که ما، هم ریزش داریم، هم رویش داریم... اگر ما به وظایفمان در زمینه‌ی انقلاب عمل کنیم، معنای این، ماندگاری افزایش این رویشها و انبوه شدن این رویشها است. دوم، آرامشی است که به دل انسان می‌نشیند.^۲

*** افرادی که جایگاهی دارند برای حرف زدن و میتوانند حرف بزنند، سعی نکنند اصالتهای کشور را، بنیانهای اساسی انقلاب را تضعیف کنند؛ تا کسی از اصالتها گفت، فوراً نگویند ایشان دارد تندروی میکند یا افراطی‌گری میکند، یا چه میکند، یا جناحی‌گری حرف [میزند]؛ نه، این جوری نیست. اصالتها را تخطئه نکنند، تهمت افراطی‌گری نزنند؛ بیانات انقلاب را انکار نکنند؛ بیاناتی در انقلاب هست؛ واضحاتی، محکماتی در انقلاب هست. خب، این بیست و چند جلد بیانات امام است؛ امام مظهر انقلاب بود، امام سخنگوی انقلاب بود، مبین حقایق انقلاب بود. خب نگاه کنند و ببینند امام بر روی چه چیزهایی تکیه میکرد. بیانات انقلاب را انکار نکنند؛ این، آن چیزهایی است که مهم است.^۳

*** باید شجاعت انقلابی را حفظ کنیم. آن انقلابی که در مقابل تهدید دشمنان انقلاب خود را عقب می‌کشد و پس می‌زند و می‌ترسد، نه مورد احترام دوست قرار می‌گیرد، نه مورد احترام دشمن؛ هیچ‌کس به یک ملت بزدل و ضعیف رحم نمی‌کند. آن انقلاب و حرکتی که در مقابل دشمنان خودش ضعف نشان بدهد، اول، آبرویش را می‌برد؛ حرمتش را می‌شکنند، بعد خودش را هم نابود و جارو می‌کنند و از بین می‌برند.^۴

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۰۶/۱۸

۲. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

۳. بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج ۱۳۹۴/۰۹/۰۴

۴. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۳۸۳/۰۶/۳۱)

بخش دوم:

انقلاب‌گری

فصل اول: مفهوم انقلاب‌گری

*** روحیه‌ی انقلابی یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ قانع به گیرندگی قطره‌چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن، و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به‌دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است.^۱

ارزشهای انقلابی از ارزشهای اسلامی به‌هیچ‌وجه تفکیک‌پذیر نیست؛ این‌ها باهم یکی است. کسی نمی‌تواند بگوید من مسلمانم؛ اما انقلاب را قبول ندارم، و یا بگوید من انقلابی هستم؛ اما اسلام را قبول ندارم! امروز زنده‌ترین تپش‌های انقلابی در اینجاست؛ بسیج‌کننده‌ترین نیروهای مردمی، این انقلاب است؛ در حالی که سرتاسر دنیا، انباشته از انقلاب‌های گوناگون است. پس انقلابی غیر اسلامی و اسلامی غیر انقلابی نداریم. ارزشهای انقلابی، همان ارزشهای اسلامی است.^۲

*** تدین، دین، معنویت و اخلاق، و از جمله‌ی شعب این معنویت، همین احساسات انقلابی است. امروز کسی نمی‌تواند بگوید «من متدین هستم»، اما در تضاد با انقلابی باشد که براساس دین است.^۳

*** کسبه و اصناف شهری ما، در میدانهای انقلاب راه‌پیمایی‌ها و جبهه‌ها و کمک‌های مالی حضور خوبی داشتند. پس، ما این قشر را یک قشر اسلامی و انقلابی می‌شماریم. معنای انقلابی هم همین است که در مواضع انقلاب حضور داشته باشند؛ یعنی هر جا که انقلاب از آن‌ها متوقع است، باشند.^۴

فصل دوم: ضرورت‌ها و اهمیت‌های انقلاب‌گری

*** تدین منهای روحیه‌ی انقلابی، با گوشه‌گیری و انزوا و عدم تحرک هم می‌سازد؛ اما تدین با روحیه‌ی انقلابی که همان دین خالص و ناب و صحیح و قرآنی است روحیه و حالتی را با خودش همراه دارد که فداکاری و ایثار و ابتکار و کوچک شمردن موانع و اتکای به خود و اعتماد مطلق و توکل به خدای متعال در آن هست. این روحیه‌ها موجب شد

۱. بیانات در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی (۱۳۸۳/۰۴/۰۱)

۲. سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان (۱۳۶۸/۰۳/۲۳)

۳. بیانات در دیدار دانشجویان، به مناسبت «روز وحدت حوزه و دانشگاه» (۱۳۷۲/۰۹/۲۴)

۴. سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه‌ی انجمنهای اسلامی اصناف و بازار و مجامع امور صنفی سراسر کشور (۱۳۷۰/۰۴/۱۳)

که در موارد متعددی، شماها به عنوان فقهی قلیله، بر فئات کثیره فایق بیایید. این باید حفظ بشود. مواظب باشید که این از ما گرفته نشود.^۱

۱. ضامن عزت و استقلال کشور

*** آنچه که من بر آن تأکید می‌کنم، این است که عزت ملت از استقرار او بر روی مواضع انقلابی و استحکام مواضع دینی و ملی اوست؛ نه از گرایش به این و آن. نه از اتکا به این و آن. نه از التماس کردن و ایجاد رابطه پیش این، یا آن دولت. متأسفانه عده‌ای در داخل، این طور حرف می‌زنند، این طور حرکت می‌کنند و این گونه می‌اندیشند.^۲

۲. عامل پیشرفت و پیروزی کشور

*** هر جا ما با همان اصول و تفکرات انقلابی اصیل جلو رفته‌ایم، واقعاً پیش رفته‌ایم؛ نمونه‌هایش همین پیشرفت‌های صنعتی و علمی و گشایش‌های گوناگونی است که در کارها به وجود آمده. هر جا کار برجسته‌ای شد، انسان وقتی رفت، دید یک عنصر مؤمن در آنجا مسئولیت تعیین‌کننده‌ای دارد؛ این را بنده در جاهای مختلف به تجربه مشاهده کرده‌ام. هر جا کارها لنگ است، به‌خاطر این است که در آن از این بی‌ایمانی‌ها و بی‌ریشه‌ای‌ها که منجر به نفع‌طلبی و فساد و تبعیض و رفیق‌بازی و امثال این‌ها می‌شود، وجود دارد. بنابراین در میدان عمل هم ما این فکر را آزموده‌ایم.^۳

*** تا وقتی این تفکر انقلابی و حرکت انقلابی هست، به توفیق الهی پیشرفت ایران، نفوذ روزافزون ایران، هیمنه و تسلط معنوی و روحی ایران در منطقه و فراتر از منطقه، روزبه‌روز ان شاءالله بیشتر خواهد شد.^۴

*** علت این پیروزیها و این پیشرفته‌ها چه بود؟ پاسخ در یک جمله است: فداکاری ناشی از تدین انقلابی. تدین منهای روحیه‌ی انقلابی، با گوشه‌گیری و انزوا و عدم تحرک هم می‌سازد؛ اما تدین با روحیه‌ی انقلابی که همان دین خالص و ناب و صحیح و قرآنی است روحیه و حالتی را با خودش همراه دارد که فداکاری و ایثار و ابتکار و کوچک شمردن موانع و اتکای به خود و اعتماد مطلق و توکل به خدای متعال در آن هست. این روحیه‌ها موجب شد که در موارد متعددی، شماها به عنوان فقهی قلیله، بر فئات کثیره فایق بیایید. این باید حفظ بشود. مواظب باشید که این از ما گرفته نشود. اگر خدای نکرده گرفته بشود یا متزلزل گردد، موجودیت نیروی مسلح انقلابی، دیگر معنا نخواهد داشت؛ حرکت انقلابی سابقه‌داری که دنیا را به خودش متوجه کرد، معنا و تحقق نخواهد داشت.^۵

۳. راهگشای مشکلات پیشرو

-
۱. سخنرانی در دیدار با فرماندهی کل، نماینده‌ی ولی فقیه، فرماندهی نیروی زمینی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۰۲/۲۱.
 ۲. بیانات در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا(ع) (۱۳۷۷/۰۱/۰۱)
 ۳. بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی (۱۳۸۴/۰۳/۰۵)
 ۴. بیانات در دیدار شرکت کنندگان همایش ملی «نخبگان فردا» ۱۳۹۴/۰۷/۲۲
 ۵. سخنرانی در دیدار با فرماندهی کل، نماینده‌ی ولی فقیه، فرماندهی نیروی زمینی، مسئولان دفاتر نمایندگی و فرماندهان یگانهای نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۰/۰۲/۲۱)

*** ما در گذشته هر جا که توفیق داشته و موفق شده‌ایم، به خاطر آن بوده است که به اصول انقلاب احترام گذاشته و آن را رعایت کرده‌ایم. هر جا ناکامی داشته‌ایم، به خاطر آن بوده است که کم‌وبیش از اصول الهی و اسلامی و انقلابی، انحراف پیدا کرده‌ایم. پیشرفتهای ما، به برکت اصول انقلاب است. البته، دشمنان از خارج و ایادی آن‌ها در داخل، کوشش می‌کنند که عکس این را وانمود کنند. موزیانه و خباثت‌آلود می‌نویسند و تبلیغ می‌کنند که پایندهای انقلابی، مشکل آفرین است! نه؛ این، دروغ و افتراست. پایندی انقلابی برای ملت و دولت، گره‌گشا و راهگشاست، و مشکل را برطرف می‌کند. آنچه که مشکل‌ساز است، انحراف از اصول اسلام و انقلاب است؛ چه در عمل ما و چه در فکر ما. گاهی ممکن است فکر هم انقلابی باشد؛ ولی عمل، انقلابی نباشد. این هم مشکل آفرین است. شما به صحنه‌ی جنگ هشت‌ساله جنگ تحمیلی نگاه کنید. آنجا این قضیه، خودش را به روشنی و وضوح نشان می‌دهد. در سیاست خارجی نگاه کنید. آنجا هم این قضیه، خودش را به وضوح آشکار می‌کند. در همه‌ی مسائل دیگر نیز همین‌طور است. در برنامه‌ریزی، باید این را رعایت کنیم. من به همین دلیل و به همه‌ی دلایل دیگر، به ملت عزیزمان توصیه و سفارش می‌کنم که هم در سال آینده، هم در سال جاری که بحمد الله با میمنت و مبارکی آغاز شده است کوشش کنند که همان جهت‌گیری انقلابی و اسلامی، همان روح کمک و معاونت به دولت و مسئولین را حفظ کنند. همان وحدت و هماهنگی و یکپارچگی ملی را حفظ کنند. این‌ها چیزهایی است که برای جامعه و کشور ما، گره‌گشاست.^۱

۴. عامل ناامیدی دشمنان

*** یکی از مهم‌ترین راه‌های تقویت درونی، حفظ روحیه‌ی انقلابیگری است در مردم؛ بخصوص در جوانها. سعی دشمنان این است که جوان ما را لابلای بار بیاورند، نسبت به انقلاب بی‌تفاوت بار بیاورند، روحیه‌ی حماسه و انقلابیگری را در او بکشند و از بین ببرند؛ جلوی این باید ایستاد. جوان، روحیه‌ی انقلابیگری را باید حفظ کند. و مسئولین کشور جوانهای انقلابی را گرامی بدارند؛ این‌همه جوانهای حزب‌اللهی و انقلابی را برخی از گویندگان و نویسندگان نکوبند به اسم افراطی و امثال اینها. جوان انقلابی را باید گرامی داشت، باید به روحیه‌ی انقلابیگری تشویق کرد؛ این روحیه است که کشور را حفظ میکند، از کشور دفاع میکند؛ این روحیه است که در هنگام خطر به داد کشور میرسد. سه عامل اساسی اقتدار ملی اینها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون، و حفظ روحیه‌ی انقلابیگری در همه بخصوص در جوانها؛ اینها است که میتواند کشور را حفظ کند؛ آن‌وقت دشمن مأیوس خواهد شد.^۲

*** امریکا، از اسلام نوکرمآبیهایی مثل بعضی از دولتهای دیگر نمی‌ترسد - آن اسلام ترس ندارد - از آن اسلامی می‌ترسد که اسلام ناب است، اسلام قرآنی است، اسلام جهاد و مبارزه و اسلام توکل به خداست؛ یعنی همان اسلامی که در دست مردم انقلابی ما و در دست شماست و دست جوانهایتان بود که رفتند و جنگیدند و شهید شدند. از این اسلام می‌ترسند.^۳

۱. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال (۱۳۷۲ / ۰۱ / ۰۱)

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۰۶/۱۸

۳. سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از جانبازان، خانواده‌های معظم شهداء، اسراء، مفقودان و مسئولان بنیاد شهید. (۱۳۶۸ / ۰۸ / ۲۴)

۵. فراگیر بودن عرصه‌های بکارگیری تفکر و روحیه انقلابیگری

۵-۱. برای همه افراد

*** نگذارید احساس غیرت انقلابی و تکلیف در مقابل انقلاب، در دلهای شما ضعیف بشود و فرونشیند. مثل کسی که از خانواده و حرم و ناموس خود دفاع می‌کند، از انقلاب و ارزشها و دستاوردهای آن، همین‌طور دفاع کنید. زن و مرد و پیر و جوان، در هر شغلی از شغلها که هستید و در هر گوشه‌یی از این کشور که زندگی می‌کنید- فرق نمی‌کند- بدانید که این انقلاب آسان به‌دست نیامده است. خون دلها خوردند، خونها ریخته شد و کمکها و فیوضات عظیم الهی شامل حال این مردم شد تا این دستاورد عظیم به‌دست آمد. این طور نیست که مردم و ما بنشینیم نگاه کنیم که کسانی ارزشهای انقلاب را تاراج کنند و یا به آنها اهانت نمایند و آنها را سبک بشمارند. نه، ارزشهای انقلابی و دستاوردهای انقلاب و فضای اسلامی جامعه، ناموس همه‌ی آحاد مردم ماست و از آن، غیرتمندانه و با کمال قدرت دفاع می‌کنیم و باید بکنیم.^۱

در میان طلاب و روحانیون

*** عزیزان من! فضای انقلابی در کشور دشمنان عنودی دارد، دشمنان کینه‌ورزی دارد. با حاکمیت فضای انقلابی در کشور مخالفند؛ می‌خواهند این فضا را بشکنند. شما دیدید در یک دوره‌ای شهادت را زیر سؤال بردند، جهاد را زیر سؤال بردند، شهید را زیر سؤال بردند، نظرات امام را زیر سؤال بردند، پیغمبران را زیر سؤال بردند! مسئله این نیست که فلان زیدی با این مفاهیم مخالف است؛ مسئله این است که این مخالفت از نظر دشمن باید در جامعه مطرح شود؛ فضا سازی شود و فضای انقلابی بشکند. در حوزه‌ی علمیه همه باید به این مسئله توجه کنند. در متن جامعه این‌جور است، طبعاً در حوزه‌های علمیه هم این‌جور است. می‌دانند که شمای روحانی فقط یک فرد نیستید؛ مستمع دارید، علاقه‌مند دارید؛ بنابراین در محیط پیرامون خودتان اثر می‌گذارید. می‌خواهند فضای انقلابی را بشکنند، روحانی انقلابی را منزوی کنند. تحقیر بسیج، تحقیر شهید، تحقیر شهادت، زیر سؤال بردن جهاد طولانی این مردم اگر خدای نکرده در گوشه و کنار حوزه به وجود بیاید، فاجعه است. بزرگان حوزه بایستی مواظب و مراقب باشند و مانع بشوند.^۲

در میان دانشگاهیان

*** روحیه‌ی انقلابی دانشجویان در دانشگاه نباید ضربه بخورد. آن عده‌یی که بی‌تفاوتند، باید کاری بشود که به جهت‌گیری‌های انقلابی و نشاط انقلابی گرایش پیدا کنند؛ نه اینکه خدای نکرده بعکس شود و کارهایی انجام بگیرد که کسانی که روحیه و جهت‌گیری انقلابی دارند، یواش‌یواش به بی‌تفاوتی گرایش پیدا کنند؛ این خطر بسیار عظیمی است.^۳

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران (۱۳۶۸/۰۷/۲۸)

۲. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۱۳۸۹/۰۷/۲۹)

۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا (۱۳۷۰/۰۹/۲۰)

*** بدانید دانشگاه و دانشجو امروز آماج بزرگ‌ترین توطئه‌ها است؛ از اینکه ما دانشگاهی داشته باشیم که دانشجوی آن، استاد آن با روحیه‌ی انقلابی، با روحیه‌ی تهاجمی وارد میدان بشود، خط‌های قرمز را که دشمنها برایش درست کرده‌اند به هم بزند، پیش برود، کشور را پیش ببرد، پرچم علم را بالا ببرد، شعارهای انقلابی را پُررنگ کند وحشت دارند؛ برای اینکه این اتفاق نیفتد، دارند برنامه‌ریزی میکنند؛ پولها خرج میکنند. دشمنان راه سلطه‌ی آینده [را] برنامه‌ریزی میکنند.^۱

در میان مسؤولین کشور

*** نباید بگذارید چهره‌ی انقلابی جمهوری اسلامی، در آن کشوری که شما (مسؤولین) هستید، اندکی مخدوش بشود. انقلاب، یک ارزش است. آن کسانی که تلاش می‌کنند انقلاب و انقلاب‌گری را ضد ارزش کنند، همان کسانی هستند که بیشترین ضربه را از انقلاب خورده‌اند. تردید در مفاهیم انقلابی، ضد ارزش است. تردید در مبارزه‌ی با قدرتهای ستمگر و سلطه‌گر و ظالم، ضد ارزش است. راه نجات ملت‌ها، در استقلال آن‌ها از قدرتهای ستمگر است.^۲

...و

۵-۲. برای همه‌ی زمان‌ها

*** بهترین کارها را کسانی کرده‌اند که با روحیه‌ی انقلابی کرده‌اند؛ هم در جنگ، هم در سازندگی و هم در علم و مسائل فرهنگی. بنابراین، انقلابی بمانید.^۳

*** باید در مقابل دشمنان و بدگویان و طعنه‌زنان انقلاب بایستید. عده‌ای خیال می‌کنند چون از مبدأ انقلاب فاصله گرفته‌ایم، هرچه از مبدأ انقلاب دور شویم، انقلابی‌گری ضعیف‌تر می‌شود! این، خطاست. انقلاب که مال یک زمان خاص نیست، تا هرچه از آن زمان دور شدیم، انقلابی‌گری ما کم شود. انقلاب، یک ایمان است؛ اعتقاد است؛ دین است. دین که از انسان فاصله نمی‌گیرد! فاصله‌ی انسان با دین، به حسب زمان که کم و زیاد نمی‌شود! شما باید در مقابل این تفکرات بایستید.^۴

*** کسی گمان نکند که وقتی گفته می‌شود دوران بازسازی است، یعنی دیگر دوران حماسه و شور و انقلابی‌گری تمام شد. هرگز چنین نیست. دشمن می‌خواهد این‌طور تبلیغ کند که دوران بعد از جنگ و دوران بازسازی، یعنی دورانی که دیگر شور و حماسه‌ی انقلاب در آن نیست. یعنی آن حماسه‌ها و ایمان جوشان و فداکاری‌ها و صلابت در مقابل دشمن، مخصوص دوران جنگ بود و حالا دیگر آن دوران تمام شد. حالا دیگر دوران این است که برگردیم به همان شکلی که مردم غافل بعضی از کشورها در آن شکل زندگی می‌کنند! این است معنای دوران بازسازی؟ هرگز چنین نیست. کسانی که چنین تصور می‌کنند، در اشتباهند. در یک جامعه‌ی اسلامی و انقلابی، روح انقلاب و ایمان همیشه

۱. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۱۳۹۴/۰۸/۲۰
۲. بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹/۰۵/۰۱)
۳. بیانات در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی (۱۳۸۳/۰۴/۰۱)
۴. بیانات در دیدار گروه کثیری از آزادگان (۱۳۷۱/۰۵/۲۶)

زنده و کارساز است. روح انقلاب و روح شور و حماسه‌ی انقلابی، در دوران جنگ موجب پیروزی در جنگ است و در دوران سازندگی موجب پیروزی در مبارزه‌ی سازندگی است.^۱

۳-۵. برای همه مکان‌ها

۳-۵-۱. امور داخلی کشور

*** باید آدم‌های متدین بر سرنوشت تشکیلات حاکم باشند. البته در سطوح مختلف، انسان می‌تواند از همه‌ی کسانی که اندک چیزی بلدند و خودشان هم با ما هم‌عقیده نیستند و حتی می‌گویند که «هم‌عقیده نیستیم»، استفاده کند. حرفی نیست. بنده در بخشهای مختلف کشور، قسمتهایی را می‌شناسم که آن مدیری که در آن قسمت کار می‌کند البته مدیر در سطوح پایین، یا یک کارشناس متخصص اعتقادی هم به راه انقلاب ما ندارد؛ اما خودش را در خدمت این مدیریت قرار داده؛ در خدمت این تشکیلات یا این وزارتخانه یا این اداره قرار داده است و کار می‌کند. به این شکل می‌توانید از خدمات افراد استفاده کنید. اما آن‌هایی که تعیین‌کننده‌اند، راه را مشخص می‌کنند و بخصوص، در سطوح بالای مدیریت و نیز کارشناسی‌هایی که خط‌دهنده هستند، باید افرادی باشند با روحیه‌ی انقلابی و اسلامی عمیق. این، آن اساس کار است که اگر شد، به اعتقاد بنده تمام هدفهایی که شما برای خودتان مشخص کرده‌اید و در برنامه‌هایتان آورده‌اید و در سخنرانیها و بیاناتتان اظهار کرده‌اید، تحقق می‌پذیرد.^۲

*** نگویید ما پول و بودجه نداریم. بله، خیلی کارها با پول انجام می‌گیرد؛ لیکن به نظرم می‌رسد که کل دستگاه علم و دانش کشور، باید با یک دید انقلابی به مسئله نگاه کند؛ مثل آن کسی که فرزندش درون آب افتاده و دارد غرق می‌شود؛ مثل روحیه‌ی همان مبارزی که در دوران پیش از پیروزی انقلاب، هیچ چیز نه زن، نه بچه، نه زندگی، نه خانه، نه راحتی نمی‌فهمید و همه‌ی زندگیش مصروف این می‌شد که کاری انجام بدهد. دستگاه علمی کشور، باید این‌طور جلو برود و هر چیزی که مانع سر این راه است، حقیقتاً برطرف بشود.^۳

۳-۵-۲. امور خارجی کشور

*** دیپلماسی ما باید با روحیه‌ی انقلاب همراه باشد - یعنی اسلام انقلابی - این است که به ما بُرش می‌دهد. امروز ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی خوششان می‌آید، به خاطر موضع مستقل اسلامی شجاعانه‌اش؛ این باید محفوظ باشد. در جاهای مختلف دنیا، مردم از مسئولان جمهوری اسلامی که این شجاعت را، این استقلال را، این نترسی را بیشتر بروز می‌دهند، بیشتر خوششان می‌آید.^۴

۱. بیانات در مراسم دیدار قشرهای مختلف مردم (۱۳۷۱ / ۰۷ / ۲۹)

۲. بیانات در دیدار «هیئت دولت» در آغاز کار دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی» (۱۳۷۲ / ۰۶ / ۰۳)

۳. بیانات در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور (۱۳۶۹ / ۰۵ / ۲۳)

۴. بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۱ / ۰۶ / ۰۲)

*** اگر ما برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه‌ی اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرتهای بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است. برای خیلی‌ها که بین انقلابی‌گری و برخورد منطقی منافات می‌بینند، عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده می‌کنیم که این‌ها می‌تواند باهم جمع شود. انقلابی‌گری به این نیست که ما آن جایی که نباید پرخاش کنیم، بی‌خودی پرخاش کنیم. انقلابی‌گری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرتها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده‌ایم.^۱

*** می‌گویند آقا شما این کلمه‌ی انقلاب و مسئله‌ی انقلاب و روحیه‌ی انقلابی را این قدر دنبال نکنید. خب، اینها با هم متناقض است. اصلاً این اقتدار، این نفوذ، به‌خاطر انقلاب است؛ اگر انقلاب نبود، اگر روحیه‌ی انقلابی نبود، اگر عملکرد انقلابی نبود، این نفوذ وجود نداشت. اینکه شما بانفوذید، شما قدرتمندید، انقلاب را بگذارید کنار که بتوانیم با هم زندگی بکنیم، معنایش این است که انقلاب را بگذارید کنار تا از این قدرت بیفتید تا ما بتوانیم شما را ببلعیم. این را صریحاً به افرادی از جمهوری اسلامی می‌گویند و توجه نمیشود به معنا و مفهوم واقعی این حرف. تا کی می‌خواهید انقلابی باشید، تا کی می‌خواهید مرتب دم از انقلاب بزنید، بیایید جزو جامعه‌ی جهانی؛ معنای این [حرف] این است که این نفوذی که الان دارید، این قدرتی که دارید، این تأثیرگذاری‌ای که در منطقه دارید، این عمق راهبردی‌ای را که شما در میان ملت‌ها دارید کنار بگذارید و از دست بدهید؛ یعنی ضعیف بشوید، تا ما بتوانیم شما را ببلعیم. می‌گویند جزو جامعه‌ی جهانی بشوید؛ خب، مرادشان از جامعه‌ی جهانی، چند قدرت مستکبر زورگوی ظالمنده؛ یعنی بیایید در نقشه‌های ما حل بشوید؛ معنای این حرف این است.^۲

فصل سوم: شاخصه‌های تفکر انقلابی

۱. پرهیز از افراط و تفریط

*** درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ نبادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از **افراط و تفریط** بایستی پرهیز کرد. جوانهای انقلابی بدانند؛ همان‌طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات

۱. بیانات در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور (۱۳۶۸/۰۵/۳۱)

۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۴/۰۶/۲۵

حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای انقلابی‌گری، اینها نیست.^۱

*** اگر کسی یا جریانی بخواهد به نام عقل‌گرایی، از ارزشهای اسلامی و انقلابی عدول کند، این انحراف است. اگر کسی بخواهد به وسیله‌ی عقل‌گرایی، در مقابل دشمن بی‌تقوایی به خرج بدهد، وابستگی به وجود بیاورد، این انحراف است، این خیانت است. آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضاء نمی‌کند که ما از خدعه‌ی دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه‌ی عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیائیم. هرچه که انسان در مقابل دشمن کوتاه بیاید، پشتوانه‌ی عظیم معنوی در درون کشور و درون ملت را از دست خواهد داد. همین‌طور در نقطه‌ی دیگر: اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابی‌گری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابی‌گری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما می‌دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد اذیاء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابی‌گری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم.^۲

۲. بصیرت و آگاهی به شرائط زمان

۳. دقت در امور

۴. تلاش بر حفظ شور انقلابی

۵. پرهیز از عصبانیت (صبر در برابر مشکلات، ناملأئمات و بد رفتاری‌ها)

* انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درک کند. مسئله

این جور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ این جوری نمی‌شود.

* باید دقیق باشی،

* باید شور انقلابی را حفظ کنید،

* باید با مشکلات هم بسازید. باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛

۱. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۱۳۸۹ / ۰۷ / ۲۹)

۲. بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره) (۱۳۹۰ / ۰۳ / ۱۴)

مراقب باشید. مأیوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. * رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است.^۱

*** امیدوارم که با صبر و حوصله این کارها حل بشود. باید صبر انقلابی داشته باشید؛ ملت باید صبر انقلابی داشته باشد. ملتی که پنجاه و چند سال در فشار و اختناق و ظلم و تعدی صبر کرد، باید صبر انقلابی داشته باشد، آرام باشد.^۲

۶. جرأت و جسارت در عمل

۷. توکل بر خدا

۸. خودباوری و اعتماد به نفس

*** نهادهای انقلابی

* به خاطر اتکای به نفس،

* به خاطر جرأت در اقدام،

* به خاطر توکل به خدا،

* به خاطر باور به نیروی ذاتی خود،

در هر جا وارد شده‌اند، توانسته‌اند کار خوب انجام دهند. نیروهای مؤمنی که در میدان دفاع هشت‌ساله، آن همه ابتکار به خرج دادند چه سپاه پاسداران، چه نیروهای مؤمن ارتش، چه این بسیج عظیم مردمی کارهای معجزه‌آسایی کردند. جهاد سازندگی نیز همین‌طور است.^۳

۹. انضباط

*** بعضیها تصور می‌کنند انقلابی‌گری، یک حرکت انقلابی، یعنی حرکت بی‌انضباط همراه با شلوغی، سردرگمی و بی‌نظمی! می‌گویند آقا، آن‌ها انقلابی بود و تمام شد! این، غلط است. مطلقاً در ذات تحرک انقلابی، اغتشاش و بی‌نظمی نیست. بعکس، انضباط انقلابی از محکم‌ترین و قوی‌ترین انضباطهاست. انضباطی که ریشه از ذهن انسان، از دل انسان، از ایمان انسان می‌گیرد، بهترین انضباطها را دارد. اول انقلابها از جمله انقلاب ما، بی‌نظمی‌هایی دیده می‌شود که این ناشی است از آغاز حرکت انقلابی؛ چون یک بنای کهنه‌ی درهم ریخته باید نابود شود و جایش یک

۱. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم (۱۳۸۹ / ۰۷ / ۲۹)

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص: ۱۲۸

۳. بیانات در دیدار جمع کثیری از مردم قم (۱۳۷۹ / ۱۰ / ۱۹)

بنای دیگر بیاید. این، چیز طبیعی‌ای است؛ ولی وقتی که بنای نو، بنای جدید ساخته شد بر پایه‌های درست، حرکت بر اساس آن، حرکت منضبط و خوب خواهد بود و پیش خواهد رفت و این، انقلابی است. بنابراین انقلابی‌گری را با بی‌نظمی و با شلوغکاری و با نشناختن ضابطه و قانون نباید اشتباه کرد.^۱

*** حرکت انقلابی برخلاف القائات افراد خبیث و یک عده از قلم‌به‌مزدهای داخلی که آن را ترویج می‌کنند و این‌طور القاء می‌کنند که انقلاب یعنی آشفتگی؛ سردرگمی؛ هیچی به هیچی نبودن و سنگ روی سنگ بند نشدن، نیست، بلکه انضباط انقلابی، برترین و قوی‌ترین انضباط‌هاست. بی‌نظمی‌ای که اول انقلاب دیده می‌شود، به‌خاطر این است که بنای غلط و کج و پوسیده‌ای وجود دارد، که باید آن را به هم ریخت و بنای نویی گذاشت. آن به‌هم‌ریختگی متعلق به اول انقلاب است؛ انقلاب که آن به‌هم‌ریختگی نیست؛ انقلاب یک امر مستمر است؛ انقلاب یعنی سازندگی؛ یعنی رویش و بالندگی. رویش و بالندگی بدون انضباط، بدون قانون و بدون نظم مگر ممکن است؟!^۲

*** نمی‌شود یک مسئله‌ای که انقلابی است ما بگوییم فوراً انقلاب جلو برود، خراب کند و جلو برود؛ چنانچه شد و بحمد الله انقلاب ایران بهترین انقلاب‌هایی بود که در دنیا واقع شد؛ یعنی ضایعات کم [داشت]. و آن چیزی که ما بردیم، رژیم شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله یا بیشتر را از بین بردید. دست آنها هم از آن کوتاه کردید؛ دست همه اجانب را کوتاه کردید از مملکتان. این آن چیزی است که بردید. ضایعه‌ای که دادید، البته یک هزار نفری هم ما کشته دادیم. در سایر انقلابات این قدر کشته می‌دادند، خرابی می‌شد. ما نباید توقع داشته باشیم که یک انقلابی بشود و آرام باشد و... ما باید اسم این را «انقلاب سفید» بگذاریم، نه انقلاب شاهنشاهی را. این انقلاب واقعاً «سفید»، این انقلاب ملی ایران بود که با یک بیست و چهار ساعت یک شاهنشاهی را از بین برد و تمام را به هم ریخت. اما حالا به هم ریخته است این. به هم ریختگی را بخواهید منسجمش کنید وقت لازم دارد. حالا به ما قول داده‌اند در همین هفته راجع به ارتش تنظیمش درست بشود. و چیزهای دیگر هم ان شاء الله کم کم امیدواریم درست بشود.^۳

*** می‌بینیم که گروه‌های مختلفی، آرای مختلفی پیدا شده است، و هر کس هر جور دلش می‌خواهد صحبت می‌کند. وقتی هم که از آن سؤال بکنند، جواب این است که انقلاب است! هر که هر خلاقی بکند، برهانش این است که انقلاب شده است! چون انقلاب شده است، دیگر باید همه کارها انقلابی باشد، و معنی انقلابی هم این است که موازین دیگر ندارد! میزان عقلی، یک میزان انسانی یک میزان اسلامی، دیگر در کار نیست.^۴

۱۰. برخورد مناسب با مسئولان

*** آگاهی سیاسی کسب کنید و نسبت به آنچه که می‌گذرد، هوشیار باشید و انگیزه و تپش جوانانه‌ی انقلابی متناسب با قشر شما، در خدمت هدفهای نظام قرار گیرد. عده‌یی از افراد ساده‌اندیش خیال می‌کنند که اگر دانشجو

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان (۱۳۸۶/۰۴/۲۵)

۲. بیانات در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی (۱۳۸۳/۰۴/۰۱)

۳. صحیفه امام، ج ۶، ص: ۱۵۶

۴. صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۳۱۹

بخواهد حضور انقلابی داشته باشد، راهش این است که بر سر مسئولان خود داد بکشد؛ خیر، اینکه انقلابی‌گری نیست. آنجایی که می‌بینید دانشجوی بر سر مسئولان امر داد می‌کشد، مسئولان با دانشجویان هم‌جهت نیستند؛ آن‌ها مزدور امریکا هستند و این جوانان نمی‌توانند طاقت بیاورند و بالاخره فریاد اعتراض می‌کشند؛ کمااینکه در رژیم گذشته همین‌گونه بود و دانشجوی و طلبه و مردم و وجدانهای بیدار و انسانهای شجاع و روحهای سالم، بر سر مسئولان امر داد می‌کشیدند. مبدا عده‌یی به صورت فریب‌انگیز و با ترفندهای گوناگون بیایند و به چند جوان ساده تفهیم کنند که دانشجوی بایستی فریاد بکشد! بله، فریاد باید کشیده شود؛ ولی بر سر امریکا و قدرتهایی که مزاحم مسئولان و اداره‌کنندگان نظام هستند. در هر دانشگاهی که تحصیل می‌کنید، حضور دانشجویی خود را به صورت قوی و با خط درست حفظ کنید.^۱

۱۱. شهادت طلبی

*** ما الآن مشاهد‌مان هست که جوانهای ما- چه جوانهای نیروی انتظامی و چه جوانهای معمولی و پاسدارها و حتی بازاریها- مکرر می‌آیند پیش من، حتی امروز، و آرزو می‌کنند، به من می‌گویند شما دعا کنید ما شهید بشویم. این روحیه، این روحیه انقلابی، که در نفوس پیدا شده است، این یک معجزه الهی است. بشر نمی‌تواند یک ملت را همچو متحول کند. دست غیبی در کار است، و من امیدوارم که همین دست غیبی ما را به پیروزی نهایی برساند.^۲

۱۲. پرهیز از عافیت طلبی

*** غالباً در هر انقلابی وقتی که یک پیروزی حاصل شد، آن وقت مردم متوجه به گرفتاریهای خودشان می‌شوند. قبل از پیروزی توجه دارند به اینکه برسند به پیروزی؛ وقتی فهمیدند حالا پیروز شدند، یک سستی پیدا می‌شود؛ توجه به گرفتاریها زیاد می‌شود.^۳

*** لازمه هر انقلابی، که شاید قابل اجتناب نباشد، این است که بعد از پیروزی، یا بعد از اعتقاد به پیروزی، این مسائل شخصی پیش می‌آید. مادامی که در حال انقلاب هست یک ملتی- هر ملتی باشد- در حال انقلاب است، مسائل شخصی و مسائل گروهی پیششان مطرح نیست؛ همه اجتماعاً رو به مقصد می‌روند... لکن بعد از اینکه این پیروزی تا همین حد حاصل شد و مردم دریافتند که حریف را از میدان بیرون کرده‌اند... توجه می‌شود به خواستههای شخصی. در حال انقلاب اصلاً صحبت مسکن هیچ مطرح نبود که مسکن کی دارد، کی ندارد؛ حتی آن زاغه‌نشینها هم- آن طوری که یکوقت نشان دادند- آنها هم در مصاحبه گفت یکی‌شان که ما صبح که می‌شود همه‌مان با هم می‌رویم برای

۱. سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان، ۲۳/۳/۱۳۶۸.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص: ۳۸۴.

۳. صحیفه امام، ج ۸، ص: ۱۹.

تظاهر. اصلاً مطرح نبود که کسی مسکن دارد یا ندارد؛ کسی فلان احتیاج را دارد؛ فلان کس حقوقش کم است، زیاد است؛ این حرفها اصلش در حال انقلاب مطرح نیست. و در ایران هم دیدید که نبود.^۱

*** همان طوری که در وقت انقلاب هیچ یک از شما آن وقت که می آمدید به توی خیابانها و می رفتید به پشت بامها و می رفتید جلوی توپ و تانکها، هیچ کدام به فکر این نبودید که مثلاً فرض کنید اگر اهل اداره هستید حقوقتان کم است، هیچ ابداً این مطرح نبود آن روز، اگر اهل مثلاً زراعت هستید، زراعتتان امسال خشک شده است یا خوب نیست، این در آن حال هیچ کس به فکر این مسائل نبود، همه یک فکر داشتند و آن اینکه این دشمن باید برود و به جای او یک مملکت، یک کشور اسلامی صحیح باشد- بعد از هر انقلابی این امور کم کم رو به ضعف می رود... نگذارید این انقلابی که حاصل شده و این نهضتی که حاصل شده و این چیزی که ما را پیروز کرده، نگذاریم سست بشود.^۲

*** بعضی از انقلابیون، انقلابیون مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیون هم انقلابیون منفی بودند. در اوایل انقلاب، انقلابی منفی به آن انقلابی ای می گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، آنجایی که دردسری داشت، عقب می کشید. انقلابی بود، اما انقلابی و جاهت طلب و راحت خواه؛ انقلابی ای که می گفت من مبارزه ام را قبل از انقلاب کرده ام، اکنون دیگر می خواهم احترام شوم. بنابراین، چنین کسانی به میدان خطر و دردسر و آنجایی که چهار نفر آدم از انسان گله مند می شوند، وارد نمی شدند. یک عده هم انقلابی مثبت بودند. حاضر بودند آبرویشان را هم خرج کنند. آنجایی که فکر می کردند وجودشان می تواند کمکی بکند، با همه ی وجود حاضر بودند. اگر جبهه بود، یک طور؛ اگر دانشگاه بود، یک طور؛ اگر میدان فرهنگی یا سیاسی بود، وارد میدان می شدند. انقلابی منفی، خودش را از کار کنار می گیرد؛ اما اگر یک وقت کاری هم به دستش افتاد، مثل آدم هایی که هیچ کاری در دستشان نیست، حالت منفی بافی و شکل اپوزیسیون به خودش می گیرد؛ کانه در هیچ کاری مسئولیت ندارد! انقلابی مثبت حتی اگر هیچ کاره هم باشد، خودش را مسئول ترین افراد می داند و وارد میدان می شود.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص: ۳۵۹

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۲۵۰

۳. بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر (۱۳۷۹ / ۱۲ / ۰۹)